

معرفی اجمالی

ساحت عربی

ضمیمه ی شماره ۱۹/۱۸ کتاب معرفی حکمت سرا

www.hekmatjoo.ir

ویرایش آذر ۹۳

فهرست:

معرفی.....	۲
۱-تعریف ساحت.....	۳
۲-بیان هدف و ضرورت ارائه ی ساحت.....	۴
۳-ارائه ی تعریف و طبقه بندی حوزه های کلی.....	۷
۴-طبقه بندی و تعریف حوزه های اصلی.....	۱۰
۵-تعیین جایگاه کاربردی عناوین اصلی.....	۲۰
۶-معرفی کتب و منابع موجود.....	۲۲
۷- معرفی متفکران و راه های ارتباطی با ایشان.....	۲۴
۸- ارائه ی تاریخچه ساحت.....	۲۵
۹- تعیین حداقل های ساحت.....	۲۹
۱۰- تعیین حداقل پیشنهادها برای ساحت.....	۳۰
۱۱- انطباق محتوای ساحت با کتب نظام فعلی.....	۳۱
۱۲- آسیب شناسی ساحت.....	۳۵
۱۳- شیوه های اختصاصی ارائه ی محتوای ساحت.....	۳۶
۱۴- معرفی ارزیابان و تصدیقگران ساحت.....	۳۸

یا حکیم

« تعلموا العربیه فإنها کلام ... الذی یکلمه به خلقه »

معرفی طرح پیشنهادی ساحت عربی

جهت دست یابی به یک هدف، تمامی حرکات اختیاری انسان، قبل از شروع، نیازمند معرفت است؛ چنانکه حضرت علی علیه السلام به این امر تصریح کرده‌اند که « يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ » (تحف العقول، ۱۷۱).

در حقیقت انسان با آگاهی و معرفت و به دنبال آن عمل به موضوع مورد نظر، به هدف و مقصود خود دست می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت آگاهی به هدف، کیفیت و چگونگی راه تحصیل یک علم هم، از ضروریات ابتدایی فراگیری آن، برای رسیدن سریع و آسان به هدف علم مورد نظر محسوب می‌شود. فراگرفتن «زبان عربی» نیز از این اصل کلی برخوردار است که در جزوه حاضر به معرفی اجمالی ساحت زبان عربی برای رسیدن به این مهم پرداخته می‌شود.



۱- تعریف ساحت عربی

زبان عربی، مجموعه علوم است که برای فهم زبان قرآن و روایات و مکالمه و نگارش

عربی به آنها نیاز داریم. این علوم مانند علوم دیگر حداقل و حداکثری دارند که هر کس

متناسب با هدف خود حداقل یا حداکثرها را دنبال می کند.



۲- بیان هدف و ضروریات ارائه‌ی ساحت عربی

هر شخصی، نخست می‌بایست تصمیم خود را روشن کند که چرا به دنبال یادگیری زبان عربی است، زیرا شناخت علت و نیاز و ضرورت دنبال نمودن هر شیء و درک ارزش و جایگاه آن، عنصر تعیین کننده و عامل محرکی جهت کوشش و جدیت هرچه بیشتر برای تحصیل آن است. باید دانست منشأ نیاز و هدف از تحصیل ادبیات عرب ممکن است چند امر باشد که عبارتند از:

الف) آشنایی با زبان قرآن و روایات:

هر انسانی برای رسیدن به زندگی طیبه، باید قرآن و روایات را بفهمد و عمل کند. به کارگیری عقل در زبان قرآن، یعنی عربی بودن آن، یکی از راه‌های مهم فهم معارف الهی است؛ چنان که در ابتدای سوره یوسف آمده است: « تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ».

به نظر می‌رسد به همین خاطر قرآن به زبان عربی نازل شده است. در حدیثی، امام معصوم در پاسخ به سؤالی در مورد «لسان عربی مبین» می‌فرماید: « يُبِينُ الْأَلْسُنَ وَ لَا تُبَيِّنُهُ الْأَلْسُنَ »: عربی فصیح قرآن از واژه‌ها و ساختاری برخوردار است که گویایی زبان‌های دیگر را دارد، در حالی که زبان‌های دیگر، گویایی آن را ندارد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۲). اینک می‌توان قضاوت کرد این همه تأکید بر عربی بودن قرآن، در آیات و روایات برای چیست؟

زبان‌شناسان نیز معتقدند زبان عربی دامنه و گستره‌ای بسیار وسیع دارد و از این جهت بر سایر زبان‌ها برتری دارد؛ مثلاً افعال در زبان عربی به جای شش صیغه، چهارده صیغه دارد؛ تمام اسم‌ها مذکر و مؤنث دارد و افعال و ضمائر و صفت‌ها هم مطابق آنهاست. فراوانی مفردات و

اشتیاق کلمات، دستور زبان و فصاحت و بلاغت آن نیز این زبان را از دیگر زبان‌ها ممتاز می‌سازد و یادگیری آن را آسان می‌کند، زیرا به عنوان مثال با فراگرفتن یک معنای ماده‌ی یک فعل، می‌توان آن معنا را در چهارده صیغه‌ی و اسماء آن آورد و به همین ترتیب در افعال دیگر.

در روایات از آن جهت که قرآن عربی است به یادگیری زبان عربی سفارش شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «تعلموا العربیه فانها کلام الله الذی یکلمه به خلقه» (سفینه البحار، ۱۷۲/۲). زیرا آگاهی دقیق بر معارف یک منبع فرع فهمیدن زبان آن مأخذ است.

شاید از همین رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرموده‌اند: «أحب العرب لثلاث لأنی عربی و القرآن عربی و کلام أهل الجنة عربی»: «من عرب را به خاطر سه چیز دوست دارم: (۱) چون خودم عرب هستم (۲) چون قرآن عربی است (۳) چون زبان اهل بهشت عربی است.» (مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۱۶).

بنابراین از جمله اهداف و ضرورت‌های آموختن زبان عربی، فهمیدن و درک صحیح و مطابق با واقع معارف اسلامی از منابع علوم اسلامی (قرآن و روایات) است تا زمینه‌ی مناسبی برای تدبر و عمل آگاهانه برای رسیدن به حیات طیبه فراهم شود و مشمول این شکایت پیامبر صلی الله علیه و اله نشویم که: «يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند». (فرقان/۳۰). قرآنی که خداوند آن را برای تذکر آسان ساخته است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر/۱۷).



ب) توانمندی در درک مطلب متون عربی و مکالمه زبان عربی و نگارش جهت ارتباط
حداکثری با مسلمانان کشورهای عربی و مسلمان:
ارتباط جوامع با یکدیگر با اهداف گوناگون (اقتصادی، فرهنگی و...) امری اجتناب ناپذیر
است؛ از این رو برای کسی که می‌خواهد خود مستقیم با عرب‌زبانان و رسانه و... ارتباط برقرار
کند و مفاهیمی که تنها با استفاده از ابزارهای زبان عربی امکان نشر آنها وجود دارد را ترویج
نماید، فراگرفتن فنون تکلم و نگارش به زبان عربی امری ضروری است.

۳- ارائه، تعریف و طبقه بندی حوزه های کلی ساحت عربی

با توجه به نقش ادبیات عرب در مجموعه‌ی معارف اسلامی باید به کیفیت تحصیل صحیح این علم، به سبک و شیوه‌ای خاص اهمیت داد تا مطلوب و هدف تحصیلی این علم کسب شود.

میزان بهره‌مندی هر فردی از زبان عربی به مقدار بهره‌گیری از حوزه‌های این ساحت است.

(لازم به ذکر است برخی از این حوزه‌ها - به ویژه در بعضی از عناوین اصلی - پیش نیاز حوزه‌های دیگرند مثلاً صرف مقدم بر نحو و نحو مقدم بر بلاغت است).
برای ساحت زبان عربی چهار حوزه‌ی کلی پیشنهاد می‌شود:

الف) لغت یا معنانشناسی کلمات:

درک مفاهیم و یافتن روح معنا در آیات و روایات و متون عربی و نیز فهم کلام عرب زبانان و سخن گفتن به زبان عربی، مستلزم رجوع دقیق به کتب ارزشمند لغوی است؛ زیرا زبان عربی دامنه‌ی لغات و ترکیبات عمیق و گسترده‌ای دارد. از همین رو یادگیری نحوه‌ی رجوع به لغت نامه‌ها و یافتن روح معنای لغات و ارتباط میان کلمات هم‌خانواده لازم است. در راستای رسیدن به این مهم توجه به چند امر ضروری به نظر می‌رسد:

- آشنایی با نحوه‌ی رجوع به کتب لغت مناسب

- آشنایی با درک معانی ریشه لغات و ارتباط لغات مترادف و متناظر با یکدیگر.

- آشنایی با کاربردهای متفاوت لغات هم ریشه در زبان عربی و ارتباط معنایی میان آنها.^۱
- آشنایی با ترجمه تحت اللفظی و اصطلاحی لغات: ممکن است در قرآن و حدیث واژه‌ای در لغت معنایی، غیر از معنای اصطلاحی آن داشته باشد که دانستن هریک از معنای اصطلاحی و لغوی آن به فهم بهتر قرآن و روایات کمک می‌کند.

- آشنایی با معانی لغات براساس ترکیب با کلمات دیگر: برخی واژه‌ها هنگامی که با کلمات دیگر ترکیب می‌شوند معنایی دیگر می‌گیرند. بنابراین لازم است هیئت ترکیبی کلمه با کلمات دیگر در معنای آن نیز ملاحظه شود.

ب) صرف یا ساختارشناسی کلمات:

صرف در لغت به معنی «تغییر دادن» و «دگرگون کردن» است؛ و در اصطلاح، علمی است که درباره‌ی چگونگی تغییر کلمه به شکل‌های مختلف بحث می‌کند. این تغییر گاهی برای به دست آوردن معانی مورد نظر است و گاهی فقط مربوط به لفظ است؛ مانند کلمه‌ی «نَصْر» (یاری کردن) به شکل‌های «نَصْرًا، یُنْصِرُهُ، ناصِر، منصور» برای به دست آوردن معانی (یاری کرد، یاری می‌کند، یاری کننده، یاری شده) تغییر کرده است؛ و نیز تغییر لفظی در کلمه‌ی «بَيْع» به صورت «باع» فقط جهت ایجاد سهولت در تلفظ صورت گرفته است.

بنابراین علم صرف به بررسی مفردات جمله (اسم و فعل) می‌پردازد و آنچه با آموختن این حوزه انتظار می‌رود، عبارت است از:

^۱. آشنایی با راه ریشه یابی کلمات برای رجوع به کتب لغت ضروری است. پیش نیاز این عنوان آگاهی از حوزه صرف است تا حکمت جو بر اساس مبناهای صرفی به راحتی بتواند کلمات را برای فهم معنای آنها و نیز مراجعه به کتاب لغت ریشه یابی کند.

- قدرت تشخیص اسم و فعل.

- توان شناخت معنای کلمات در صیغه‌های مختلف و تسلط بر درک تحولات و تغییرات عارض بر کلمه.

- ایجاد قدرت ساخت کلمات برای بیان معنای مورد نظر، به واسطه‌ی قرار دادن ریشه در صیغه‌های مختلف.

ج) نحو یا ساختارشناسی جملات:

نحو در لغت به معانی «مثل، قصد، جهت، نوع، مقدار و موضع» آمده است و در اصطلاح «علم نحو»، دانستن قوانینی است که احوال آخر کلمات و جایگاه ترکیب کلمات با یکدیگر در کلام را بررسی می‌کند.

توانایی در تشخیص و به کارگیری ساختارهای زبان (کلمات و ساختار جملات اسمیه و فعلیه در سه باب مرفوعات، منصوبات و مجرورات) برای فهمیدن و فهماندن کلام مورد نظر، از فراگیران این حوزه انتظار می‌رود.

د) بلاغت یا معناشناسی جملات:

بلاغت در لغت به معنی «وصول و رسیدن به چیزی» است و در اصطلاح توانایی فهم و بیان کلامی فصیح و متناسب با مقتضای حال مخاطب به شیوه‌های مختلف می‌باشد. فراگرفتن این علم، با ممارست در سه باب معانی، بیان و بدیع حاصل می‌شود.

ه) فنون محاوره یا گفتارشناسی:

مکالمه، توانایی گفتمانی درک و تولید ساختارهای زبان عربی در شرایط مورد نیاز است که براساس اهداف و موقعیت‌های افراد می‌تواند قالب‌ها و لهجه‌های متفاوتی داشته باشد.

۴- طبقه بندی و تعریف عناوین اصلی ساحت عربی

راجع به هر یک از پنج حوزه‌ی کلی در ساحت زبان قرآن، عناوین اصلی در جدول پیشنهاد می‌شود^۲ و این عناوین به حسب تشخیص استاد و نیاز و استعداد مخاطب قابل اضافه شدن می‌باشد

۲. لازم به ذکر است در قسمت صرف هر کدام از عناوین اصلی برای اسم به مفرد و مثنی و جمع، مذکر و مؤنث، معرفه و نکره نیز تقسیم می‌شوند و در عناوین اصلی فعل، هر کدام از آنها به ثلاثی و رباعی، لازم و متعدی، معلوم و مجهول، صحیح و معتل، سالم و ناسالم، جامد و متصرف نیز تقسیم می‌شوند.

ردیف	الف (لغت معنا شناسی کلمات)	دستور زبان		ن(فنون محاوره گفتار شناسی)	ن(بلاغت معنا شناسی جملات)
		ب(صرف (ساختار شناسی کلمات)	پ(نحو (ساختار شناسی جملات)		
۱	ترجمه لفظی واژه ها	بر اساس گرفته شدن از چیزی یا نه	اقسام اعراب	شنیدن	احوال جملات (خبری، انشایی)
۲	ترجمه اصطلاحی واژه ها	بر اساس جنس	مرفوعات	صحبت کردن	احوال مسند
۳	معانی واژه هابا بر اساس ترکیب یا حروف	بر اساس تصرف و عدم تصرف	منصوبات	خواندن	احوال مسند الیه
۴	معانی واژه هابا بر اساس ترکیب یا اسم ها	بر اساس نوع حروف	مجرورات (به حرف جر و اضافه)	شناخت لهجه های رایج	قیود
۵		بر اساس معین یا نامعین بودن	توابع (صفت، عطف، تأکید، بدل)	نوشتن	و...
۶		ساز پذیرش اعراب حرف آخر و عدم پذیرش	حروف (عامل و غیر عامل)		حقیقت
۷		ملحقات	ملحقات		مجاز
۸		بر اساس زمان			زیبایی های لفظی
۹		بر اساس تعداد حروف (اصلی و زاید)			زیبایی های معنوی
۱۰		بر اساس نوع حروف			
۱۱		بر اساس نیاز یا عدم نیاز به مفعول			
۱۲		بر اساس نوع تصرف			

تعریف مختصر عناوین اصلی حوزه ی الف (لغت):

پیش نیاز حوزه لغت تا حدی آگاهی به حوزه صرف است. تا حکمت جو بر اساس مبناهای صرفی به راحتی بتواند کلمات را برای فهم معنای آنها و نیز مراجعه به کتاب لغت ریشه یابی کند.

۲۹۱. ترجمه‌ی لفظی و اصطلاحی لغات: ممکن است در قرآن و حدیث و... واژه‌ای

در لغت معنایی، غیر از معنای اصطلاحی آن داشته باشد که دانستن هریک از معنای اصطلاحی و لغوی آن به فهم بهتر قرآن و روایات کمک می‌کند. مثلاً صلوات در لغت به معنای دعا و در اصطلاح شرع به معنای نماز است.

۳۰۴. معانی لغات بر اساس ترکیب با کلمات دیگر: برخی واژه‌ها هنگامی که با

کلمات دیگر ترکیب می‌شوند معنایی دیگر می‌گیرند بنابراین لازم است هیئت ترکیبی کلمه با کلمات دیگر در معنای آن نیز ملاحظه شود. به عنوان مثال کلمه‌ی ذهب به معنای رفت است اما با ترکیب با حرف «باء» ذهب ب... به معنای بُرد است. یا کلمه‌ی جاء به معنای آمدن اگر با کلمه‌ی «رب» ترکیب شود معنای آن با آمدنی که برای انسانها به کار می‌رود متفاوت است.

تعریف مختصر عناوین اصلی حوزه‌ی ب (صرف):

از آنجایی که علم صرف از تغییرات عارض بر کلمه سخن می‌گوید، طبیعی است که عناوین اصلی آن، اقسام سه‌گانه‌ی کلمه (اسم، فعل و حرف) باشد. اما بدان خاطر که «حرف» تغییراتی بر آن عارض نمی‌شود، از موضوعات اصلی این حوزه به شمار نمی‌آید و فقط از اسم و فعل بحث می‌شود:

۱. اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقل است اما علاوه بر این معنای مستقل

دربدارنده‌ی یکی از زمان‌های سه‌گانه (گذشته، حال یا آینده) نیست.

اسم از جنبه‌های مختلف تقسیم‌های گوناگونی دارد:

- بر اساس این که از کلمه ای دیگر گرفته شده باشد یا نه، اسم بر دو قسم است: الف) جامد
از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده است که خود دو نوع است: مصدری (از آن فعل ساخته می
شود) مانند نصر و غیر مصدری مانند قلم.

ب) مشتق از کلمه‌ی دیگری گرفته شده است (اسم فاعل: ناصر، اسم مفعول: منصور، صیغه
مبالغه: غفّار، صفت مشبّهه: نصیر، اسم تفضیل: اکبر، اسم مکان: میعاد، اسم زمان: میعاد، اسم
آلت: مقراض (قیچی)).

- اسم از جهت جنس دو نوع مذکر و مؤنث می‌باشد که هر کدام نیز دو قسم است: مذکر
حقیقی: انسان و حیوان، مذکر مجازی: غیر انسان و غیر حیوان؛ مؤنث حقیقی: انسان و حیوان،
مؤنث مجازی: غیر انسان و غیر حیوان.

- اسم بر اساس تصرف و عدم تصرف نیز تقسیم‌هایی دارد. اسم متصرف از جهت عدد به سه
قسم تقسیم می‌شود: مفرد: ناصر، مثنی: ناصران، جمع (سالم و مکسر): ناصرون، رجال. اسم
متصرف می‌تواند مصغر و منسوب (که آخر دارای یاء مشدد باشد و آن کلمه را به چیزی یا
کسی یا مکان و ... نسبت می‌دهد: ایرانی) شود.

- اسم بر اساس نوع حروف به پنج قسم تقسیم می‌شود: صحیح: ناصر، شبه صحیح: دلو،
مقصور: کبری، منقوص: قاضی، ممدود: حمراء.

- اسم از جهت معین یا نا معین بودن دو قسم است: معرفه: الرجل، نکره: رجل.

- اسم از جهت تغییر یا عدم تغییر حرکت آخر به دو نوع تقسیم می‌شود: معرب ناصر، مبنی:

الذی.

- ملحقات: موضوعاتی مانند اسماء اعداد و... در این قسمت آورده می‌شود.

۲. فعل : کلمه‌ای است که علاوه بر معنای مستقلش دارای یکی از زمان‌های سه‌گانه

(گذشته، حال یا آینده) است. فعل بر اساس مبانی مختلف دسته‌بندی‌های گوناگونی دارد:

- فعل بر اساس زمان به سه دسته‌ی ماضی (گذشته)، مضارع (حال و آینده)، امر تقسیم می‌شود.

- فعل بر اساس تعداد حروف اصلی به ثلاثی و رباعی، بر اساس داشتن یا نداشتن حروف زائد

به مجرد و مزید تقسیم می‌شود: ثلاثی مجرد: نَصَرَ، ثلاثی مزید:

ناصر، رباعی مجرد: زَلَزَلَ، رباعی مزید: تَدَحْرَجَ.

- فعل بر اساس نوع حروف به دو نوع صحیح و معتل تقسیم می‌شود معتل فعلی است که در

حروف اصلی آن حرف عله (و ا ی) باشد که پنج نوع است: مثال: وجد، اجوف: قول، ناقص:

مشی، لفیف مقرون: طوی، لفیف مفروق: وقی. فعل صحیح، فعلی است که در حروف اصلی

آن حرف عله نباشد که خود دو قسم است: سالم: ضرب، ناسالم که دو نوع است: مهموز: جاء

و مضاعف: صدّ (صدد)

- فعل بر اساس نیاز یا عدم نیاز به مفعول به لازم و متعدی تقسیم می‌شود: لازم:

جاء، متعدی: نَصَرَ فلاناً. فعل متعدی بر اساس مشخص بودن یا معلوم نبودن فاعل به معلوم و

مجهول تقسیم می‌شود: معلوم: نَصَرَ علیُّ فلاناً (علی یاری کرد)، نُصِرَ فلانٌ (فلانی یاری شد).

- فعل بر اساس داشتن یا نداشتن ۱۴ صیغه در ماضی، مضارع، امر به متصرف و غیر

متصرف (جامد) تقسیم می‌شود: متصرف: نَصَرَ، غیر متصرف: لیسَ و نِعِمَ.

تعریف مختصر عناوین اصلی حوزه ی ج (نحو):

۱. اقسام اعراب: در فعل مضارع عبارت است: مرفوع به ضمه و یا ثبوت نون، منصوب به فتحه یا حذف نون، مجزوم به سکون، یا حذف حرف عله و یا حذف نون. اقسام اعراب در اسمها هم رفع و نصب و جر است که علامت آنها با توجه به نوع اسم متفاوت است.

۲. مرفوعات: کلام و جمله یا اسمیه است یا فعلیه که هر کدام دو رکن دارد. دو رکن جمله ی اسمیه مبتدا و خبر است و دو رکن جمله ی فعلیه فعل معلوم و فاعل یا فعل مجهول و نائب فاعل است.

بعضی از جملات اسمیه با نواسخ شروع می شوند. اسم افعال ناقصه و مقاربه، خبر حروف مشبه بالفعل، اسم حروف شبیه به لیس و اسم لای نفی جنس جزء مرفوعاتند.

۳. منصوبات: غیر از دو رکن اصلی جمله که ناگزیر از آوردن آنها هستیم، بقیه اجزاء جمله قید می باشد که برخی از آنها عبارتند از: مفاعیل پنجگانه (مطلق، به، فیه، له، معه)، حال، تمیز، منادا، استثناء، خبر افعال ناقصه، خبر افعال مقاربه، اسم حروف مشبه بالفعل، خبر حروف شبیه به لیس، خبر لای نفی جنس.

۴. مجرورات: دو قسم است: مجرور به حرف جر: فی المسجد، مضاف الیه: کتابُ زید.

۵. توابع: توابع کلماتی هستند که در اعراب از کلمه ی قبل خود تبعیت می کنند. توابع عبارتند از: صفت (نعت)، تأکید، عطف بیان، عطف نسق (به وسیله ی حرف جر)، بدل.

۶. انواع حروف: حروف با آنکه خود دارای معنای مستقل نیستند اما در ارتباط بخشیدن

بین کلمات در جمله نقش بسزایی دارند. برخی از آنها عامل و برخی غیر عاملند.

۷. ملحقات: که شامل مباحثی مانند اعراب جمله ها و... می شود.

تعریف مختصر عناوین اصلی حوزه ی د (بلاغت):

۱. معانی: بیان کردن کلام به گونه ای که مطابق با شرایط مخاطب باشد. برخی از

موضوعات این عنوان اصلی به شرح زیر است:

- کلام به دو صورت خبری یا انشائی بیان می شود. که هر کدام براساس حال مخاطب قالبها و معانی مختلف دارد: خبری سه قسم است: ابتدایی، طلبی و انکاری. انشائی در قالبهای امر، نهی، استفهام و... است که هر کدام از این قالبها می تواند معنای حقیقی یا مجازی داشته باشد. برخی از معنای مجازی آنها عبارتند از:

معانی مجازی امر: دعا، تهدید، اباحه و... ، معانی مجازی نهی: دعا، ارشاد و راهنمایی

و... ، معانی مجازی استفهام: امر، هول انداختن، مسخره کردن و ...

- جمله ی خبری از مسند و مسندالیه تشکیل می شود. برای هر کدام از اینها احوالی وجود

دارد: احوال مسندالیه و مسند عبارتند از: ذکر و حذف، تقدیم و تأخیر، تعریف و تنکیر.

- غیر از دو رکن اصلی کلام (مسند و مسندالیه) بقیه اجزاء جمله، قید می باشد. اگر گوینده

قصد مطلق گوئی داشته باشد به دو رکن اصلی اکتفا می کند و گرنه برای رساندن مطالب بیشتر

می تواند کلام خود را به هر یک از قیود (توابع، مفعول ها، حال، تمیز، نواسخ و...) مقید کند تا

فواید بیشتر را به مخاطب برساند.

- گاهی گوینده قصد حصر کردن کلام خود را دارد که به روش‌های مختلف صورت حصر انجام می‌گیرد. این روش‌ها عبارتند از: ما ... آلا ...، إنما ... ، حروف عطف (بل، لکن، لا).

- گاهی با اهداف گوناگون جملات به یکدیگر عطف می‌شود که به آن وصل گفته می‌شود و یا به صورت فصل و جدای از هم به کار می‌رود.

۲. بیان: به کارگیری کلامی متناسب با مقتضای حال مخاطب به شیوه‌های مختلف، با درجات تصریح و کنایه متفاوت، در این عنوان بحث می‌شود. این شیوه‌های مختلف عبارتند از: تشبیه و استعاره، مجاز، کنایه.

۳. بدیع: بیان کردن کلامی که مطابق با شرایط مخاطب می‌باشد به روش‌های گوناگون با آرایش و زیبایی‌های لفظی و معنوی سخن. بنابراین موضوعات این عنوان عبارتند از: محسنات لفظی و محسنات معنوی.

تعریف مختصر عناوین اصلی حوزه ی ه (فنون محاوره):

پیش از مکالمه یا در حین یادگیری مکالمه، لازم است فراگیران دایره ی لغات (مترادف ، متضاد وهمنشین) و اصطلاحات مناسب برای مکالمه‌ای به روز را تقویت کنند و نیز با دستور زبان (صرف و نحو) و بلاغت در حدی که برای محاوره ضرورت دارد، آشنا شوند تا در شرایط ارتباطی، مناسب ترین کلمه و کلام را به کار ببرند.

برخی از عناوین اصلی برای این حوزه در قالب‌های زیر معرفی می‌گردد:

۱. شنیدن: مشاهده‌ی هدفمند برنامه‌های رسانه‌ای به زبان عربی (سخنرانی‌ها، گفتگوها ، مصاحبه‌ها در زمینه‌ها و موضوعات آشنا و برداشت نکات خاص اطلاعاتی و ایده ی کلی

محتوای سخنرانی‌ها، گفتگوها و بحث‌ها و...، برای شنیدن با دقت و تقویت سرعت در انتقال به مفاهیم امری ضروری است. زیرا قوه بینایی در استماع و فهم کلام بسیار مؤثر است، مشاهده-ی برنامه‌های تصویری عربی مانند مشاهده «شبکه

تلویزیونی العالم»، اخبار، برنامه کودک و.. تحت نظارت اساتید پیشنهاد می‌شود.

۲. صحبت کردن: سخن گفتن با دیگران اعم از عرب زبانان و غیر آنها به زبان عربی

برای برقراری فراهم شدن زمینه‌ای جهت ارتباطی مناسب در جایگاه‌های دیگر.

برخی از توانمندی‌های این عنوان عبارتند از:

- توانایی گفتمانی درک و تولید ساختارهایی که بلند تر از جمله‌ها هستند چون داستان‌ها مکالمات یا نامه‌های اداری یا تجاری و کاری.

- توانمند کردن فراگیران برای به کارگیری معنادار توقف‌ها در صحبت‌های طولانی.

- توانمند کردن فراگیران برای به کارگیری درست آهنگ‌های کلامی برای انتقال معنا و مفهوم مورد نظر.

۳. خواندن: خواندن کتب، مجلات، روزنامه‌های عربی به صورت هدفمند کمک شایانی به

ارتقاء این حوزه خواهد کرد. برخی از اهداف این عنوان عبارتند از:

- توانمند کردن فراگیران برای خواندن و درک نوشته‌ها در زمینه‌ی موضوعات مختلف، منابع مرجع و دیگر منابع معمول مثل روزنامه‌ها و مجلات.

- توانمند کردن فراگیران برای خواندن و برداشت اطلاعاتی خاص از منابع مختلف

و دریافت ایده‌ی کلی محتوای متن.

- توانمندی برای خواندن روان به همراه درک نسبتاً منطقی از متن.

۴. شناخت لهجه‌های رایج: آشنایی با لهجه‌های رایج مورد نیاز مانند مصری، سوری،

حجازی با روشهای مختلف.

۵. نوشتن: کسی که مراحل قبلی را به صورت روشمند طی نماید در حین آن، و پس از

آن، با ویژگی‌های یک نوشته ی خوب و تاثیر گذار، آشنا می‌شود و برای نوشتن متنی منسجم

و دقیق و صحیح هم از لحاظ دستوری و نگارش و هم از لحاظ کاربرد آن مطابق با شرایط

مخاطب توانمند می‌گردد. البته این توانایی می‌تواند برای نوشتن پاراگراف های کوتاه و پس از

آن نوشتن مقاله ، نامه با موضوعات و اهداف مختلف پرورش یابد.

۵- تعیین جایگاه کاربردی ساحت عربی

یادگیری زبان دوم در زندگی انسان‌های متفاوت، بر اساس اهداف آنها کاربردهای گوناگونی دارد. برخی از این کاربردها در ساحت زبان عربی، عبارت است از:

- فهم بهتر قرآن و روایات با بهره‌گیری از صرف، لغت، نحو و بلاغت.

- ارتباط یافتن با افراد عرب زبان در موارد نیاز با بهره بردن از روشهای لازم برای این امر مانند شنیدن، صحبت کردن و....

- نگارش به زبان عربی در زمینه‌های مورد نظر مانند برای ارتباط بیشتر با عرب زبان ها با اهداف اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و....

به جاست که یک آیه به عنوان نمونه برای جایگاه کاربردی این زبان در فهم قرآن بیان شود:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ». (نساء/۵۹).

ترجمه: «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید، و رسول و

کارداران خود را- که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده- فرمان ببرید، و هر گاه در امری اختلافتان شد برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید این برایتان بهتر، و سرانجامش نیکوتر است».

در بحث لغت می‌توان گفت: ریشه‌ی فعل «اطیعوا» طوع است. در کتاب مفردات راغب «طوع» به معنای «انقیاد و فرمانبری» آمده است، نقطه مقابلش، کره به معنای نافرمانی، است.

در بحث صرف و تجزیه‌ی فعل «اطیعوا»، می‌توان چنین آورد: فعل امر، ثلاثی مجرد، معلوم، صیغه ۹، متصرف، متعدی، معتل، اجوف.

«واو» آن: اسم، مبنی (ضمیر)، معرفه، جمع، مذکر، مخاطب.

«الله»: اسم، معرب، مفرد، مذکر، غایب، معرفه، جامد.

در مباحث نحوی آیه می‌توان آورد: «اطیعوا» فعل و «واو» آن فاعل و مرفوع می‌باشد. «الله» مفعول به و منصوب. «واو» حرف عطف می‌باشد که جمله‌ی «اطیعوا الرسول» را به جمله‌ی قبل عطف کرده است. «اولی الامر» نیز معطوف به رسول است.

برخی از نکات بلاغی آیه عبارتند از: اطلاق و قید عطف: در این آیه بی‌قیدی و بی‌شرطی اطاعت دلیل بر این است که رسول، امر به چیزی و نهی از چیزی نمی‌کند که مخالفت با حکم خدا در آن چیز باشد، و گرنه اینکه خدا اطاعت از خودش و رسول هر دو را واجب کند تناقض گویی می‌شد. موافقت تمامی اوامر و نواهی رسول با اوامر و نواهی خدای تعالی جز با عصمت رسول تصور ندارد، و محقق نمی‌شود. این سخن عیناً در اولی الامر نیز جریان می‌یابد.

۶- معرفی کتب و منابع موجود پیرامون ساحت عربی

منابع بسیاری در زمینه‌ی حوزه‌های این ساحت با هدفهای مختلف موجود می‌باشد که در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است.

ردیف	کتاب	مؤلف	نشر	محدوده	موضوع	توضیحات	سطح
۱	مفردات	راغب اصفهانی		کل کتاب	ترجمه لغات قرآنی	این کتاب در ۳ جلد ترجمه شده است	حکمت جو
۲	قاموس قرآن	سید اکبر قرشی		کل کتاب	ترجمه لغات قرآنی	مفردات و قاموس به همراه چند کتاب لغت دیگر در cd جامع التفاسیر موجود است	حکمت جو
۳	صدی الحیات				لغت، صرف، نحو، بلاغت و مکالمه		استاد و حکمت جو
۴	آذر تاش آذر نوش	آذر تاش آذر نوش		کل کتاب			حکمت جو
۵	المنجد	بندر ریگی		کل کتاب			حکمت جو
۶	فرهنگ اصطلاحات معاصر	نجفعلی میرزائی		کل کتاب		روش این کتابها بر اساس حروف الفبای فارسی ریشه است	حکمت جو
۷	درآمدی بر علم اللغه	ولی... جعفری		کل کتاب		در این کتاب شیوه نگارش کتب لغوی، راه ریشه یابی کلمات به صورت دسته بندی، ترکیبات کلمات بررسی شده است.	استاد
۸	جزوه ترجمه قرآن			کل جزوه			حکمت جو

استاد		صرف و نحو			جامع المقدمات	۹
حکمت جو		صرف			صرف سادہ	۱۰
حکمت جو		صرف			صرف متوسطہ	۱۱
استاد		صرف			شرح نظام	۱۲
استاد		صرف و نحو			مبادی العربیہ	۱۳
حکمت جو		صرف و نحو			عربی آسان	۱۴
استاد		صرف و نحو			نحو الوافی	۱۵
استاد		صرف و نحو			جامع الدروس	۱۶
استاد و حکمت جو		نحو			بدایہ النحو	۱۷
حکمت جو		بلاغت		حمید محمدی	علوم بلاغی	۱۸
استاد		بلاغت			جواهر البلاغہ	۱۹
استاد	ترجمہ مختصر المعانی	بلاغت			کرانہا	۲۰
حکمت جو					کتب عربی دیپستان	۲۱

۷- معرفی متفکران و راه‌های ارتباطی با ایشان

از آنجا که قرآن و متون روایی به زبان عربی است و این ساحت ارتباطی تنگاتنگ با دین و اعتقادات و زندگی اسلامی ما دارد، در زمینه‌ی گسترش و آموزش زبان عربی دانشمندان و متخصصین زیادی تلاش نموده‌اند و آثار فراوانی تألیف نموده‌اند. از جمله در جدول زیر به معرفی تعدادی از این اندیشمندان معاصر که در قید حیات می‌باشند، پرداخته ایم:

ردیف	نام و نام خانوادگی	اثر	پل ارتباطی
۱	آقای حمید محمدی	زبان قرآن	
۲	آقای ولی الله جعفری	درآمدی بر علم اللغه	
۳	آقای دوستانی		
۴	آقای سلیمیان		
۵	آقای ایرانمنش		
۶	آقای نجار		
۷	آقای علی رفیعیایی	ظرائف العلویه	

۸- ارائه‌ی تاریخچه ساحت عربی

تاریخچه‌ی زبان و تکلم به هر شیوه‌ای که باشد از هنگام تولد بشر آغاز گشته است؛ چنان که در سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۳ و ۴ به این نعمت الهی اشاره شده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ». خداوند که آدمی را خلق کرد، بیان را نیز به او آموخت. لذا این نعمت الهی همزاد آدمی است، پس قواعد سخن گفتن نیز، پیشینه‌ای به بلندای تاریخ تفکر و تعلم بشر دارد. هر چند که تدوین قوانین و خواص یک زبان بسی متأخرتر است.

ادبیات هر قومی نیز از زمان وجودشان با آنان همراه بوده است. هر طایفه‌ای که به هر زبانی صحبت کنند، در بیان مقصود و طریقه‌ی ادای آن و در روش ترکیب کلمات از طریقه‌ای خاص پیروی می‌کنند که به آن ادبیات و یا دانش سخن گفتن می‌گویند و در هر زبانی این قواعد مختص آن زبان، وجود دارد.

به صورت کلی علم ادب، علمی است که با رعایت قواعد آن، آدمی از اشتباه نوشتاری و گفتاری در کلام عرب در امان می‌ماند.

ادبیات عرب از علوم مختلفی همچون صرف، نحو، لغت، بلاغت و... تشکیل می‌شود. اعراب جاهلی از این علوم به طور فطری آگاه بوده‌اند و با وجود این که سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند اما در سخنوری و سرودن اشعار مهارتی خاص داشتند.

اگرچه در شبه جزیره‌ی عربستان تا ظهر اسلام هفده نفر به خواندن و نوشتن آگاهی داشته‌اند، اما نخستین کسی که علم نحو را به صورت مدون درآورد و یا به دستور او مدون شد مولی‌الموحدین امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌باشد. خدا خواسته است که علی بن ابی طالب همچنان که در علوم و معارف اسلامی رکن و اساس است، در علوم عربی که زبان دین و فطرت ماست، نیز رکن

و اساس باشد. در میان هم عصران او کسی یافت نمی شد که در علوم عربی همتای امام باشد. تبصره او در زبان عرب، و منطق صحیح او، و نیروی هوش و حافظه شگفت انگیزش، او را واداشت تا برای زبان عربی اصول و قواعدی مستدل و متین بر مبنای عقل و قیاس وضع نماید. او در حقیقت واضع اساس علوم عربی است و راه آن را برای آیندگان بعد از خود هموار کرده است.

تاریخ نیز ثابت می کند که علی نخستین کسی است که اساس علم نحو را بنیان گذارده است. «ابوالأسود دؤلی» گوید: روزی به محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شده آن حضرت را در حال تفکر یافتم، پس گفتم: یا امیرالمؤمنین! درباره چه فکر می کنید؟ حضرت فرمود: در لغت شما خطاها و اشتباهاتی دیده ام (مانند این که کسی رسوله در آیه ی ۳ توبه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» را «رسوله» خواند که معنای آیه را اشتباه می کند) می خواهم در این باره اصول و قواعدی وضع کنم تا خطاها اصلاح شود. گفتم: اگر چنین کنید ما را زنده نموده و این لغت در میان ما خواهد ماند. پس از چند روز نزد آن حضرت رفتم، کاغذی پیش روی من گذاشت که در آن نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحيم، تمام کلمات یا اسمند، یا فعل، یا حرف. اسم آن است که مسمایش را روشن کند، و فعل آن است که حرکت و پدیده ی مسمی را، و حرف دارای معنایی است که نه اسم است و نه فعل. آنگاه به من فرمود: «ای ابوالاسود! در این باره تتبع کن و آنچه که به نظرت آمد بر آنها بیفزای. به همین نحو مطلب را دنبال کن. [از آن روز این علم، علم نحو خوانده شد] و بدان که کلمات از نظر دیگر بر سه نوع هستند: ظاهر، ضمیر، و چیزی که نه ظاهر است و نه ضمیر». ابوالأسود می گوید: مطالبی جمع آوری نموده خدمت آن حضرت عرضه داشتم که از جمله ی آنها حروف نصب بود. (مراد حروف مشبیه بالفعل است.) «ان، أن،

لیت، لعل، کَانَ، ولی «لکن» را ذکر نکرده بودم، پس به من فرمود: چرا «لکن» را جزء آنها نیاورده ای؟ گفتم: به نظرم آمد که جزء آنها نیست. فرمود: چرا از آنهاست، آن را هم بنویس.

«زجاج» از علماء نحو، اصول یاد شده را چنین مثال آورده: اسم ظاهر، مانند: رجل، زید، عمرو، و مانند اینها، و ضمیر مانند: أنا، انت، و تاء در فَعَلْتَ، و یاء متکلم مثل غلامی. و کاف خطاب، مانند: تُوْبِكُ، و مانند اینها، و اما آنچه که نه ظاهر است و نه ضمیر، مبهمات است مانند: هذا، هذه، هاتا، تا، (از اسماء اشاره)، و مَنْ و ما و الذی و ای (از اسماء موصول)، و کم و متی و این (از اسماء استفهام)، و مانند اینها.

سایر علوم ادبیات عرب به تدریج شاخه شاخه و مستقل شدند.

در تاریخ شواهد فراوانی بر روشن کردن معنای لغات قرآن و عرب نیز از جانب حضرت علی علیه السلام و سایر معصومان وجود دارد؛ به عنوان مثال جریانی را نقل می کنیم:

مردی از ابوبکر معنای آیه ی قرآن «و فاکهه و ابا» را پرسش نمود.

خلیفه ی اول معنای «اب» را ندانست و گفت: کدام آسمان بر من سایه می افکند و کدام زمین مرا برمی دارد یا چه کنم اگر درباره ی کتاب خدا چیزی بگویم که خود به آن باور نداشته باشم، معنای «فاکهه» را می دانم، ولی «اب» را خدا بهتر می داند.

این حرف او به گوش مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، آن حضرت فرمود:

«سبحان الله» آیا نمی داند لفظ «اب» به معنای «چراگاه می باشد، و خداوند در این آیه شریفه در مقام شمردن نعمت هایی است که به مردم و چهارپایانشان ارزانی داشته تا بدان وسیله تغذیه نموده مایه ی حیات و قوام بدنشان باشد. (ارشادشیراز، ص ۱۰۷)

پس از قرآن، کلام ائمه اهل بیت علیهم السّلام، به خصوص نهج البلاغه حضرت امیر علیه السّلام و صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السّلام در رشد و گسترش علوم ادبی به ویژه بلاغت نقش بسزایی ایفا نموده‌اند.

در هنر سخنوری حضرت علی علیه السلام می‌توان به خطبه ای طولانی بدون «الف» و خطبه ای دیگر بدون «نقطه» مشتمل بر مواعظ ارزنده و معانی عالی اشاره کرد، با آن که حرف «الف» که در ترکیب کلمات بیش از سایر حروف به کار رفته و همچنین «نقطه» که در ترکیب الفاظ و سخن گفتن بسیار ضروری و لازم است.

از مطالبی که بیان گردید معلوم شد که آن حضرت علیه السلام مبتکر تمام علوم عربی بوده و علوم ادبی از او سرچشمه گرفته است.

۹- تعیین حداقل‌های ساحت عربی

حداقل‌های این ساحت مجموعه‌ی مطالبی است که لازمه‌ی هر حکمت جو می‌باشد

که برخی از این حداقل‌های پیشنهادی عبارتند از:

الف) حداقل‌های لازم:

حکمت جو نسبت به ویژگی‌های اصلی زبان عربی خالی‌الذهن و بیگانه نباشد.

حکمت جو تا حدی عبارت عربی قرآن و احادیث را بفهمد.

حکمت جو با هدف مکالمه، بتواند در حدّ ارتباط اولیه و احوالپرسی چند دقیقه‌ای براساس

لهجه‌های رایج صحبت کند.

حکمت جو با اساتید و منابع مناسب برای ارتقاء ساحت زبان عربی آشنایی مختصری داشته

باشد.

ب) حداقل‌های اختیاری:

توانایی برای کارکردن در سایت‌های مختلف و استفاده از شبکه‌های مختلف تلویزیونی و

کتب زبان عربی و سی‌دی‌ها.

و...

۱۰- تعیین حداقل پیشیازها برای ساحت عربی

به نظر می‌رسد شناخت مناسبی از دستور زبان فارسی (زبان مادری) برای پرداختن به زبان دوم لازم است تا بتوان به درستی معادل گذاری کرد و به معنای صحیح منتقل شد.

۱۱- انطباق محتوای ساحت عربی با کتب نظام فعلی

همه عناوین ارائه شده در ساحت عربی، در دوران راهنمایی و دبیرستان نیز خوانده می‌شود، با این تفاوت که چیش این عناوین در ساحت عربی به ترتیب اصولی می‌باشد و پیش نیازها مقدم شده است و حال آن که در کتب عربی بدون نظم منطقی قواعدی پراکنده آورده شده است به گونه‌ای که فراگیران جایگاه علوم مختلف صرف و نحو و بلاغت را در نمی‌یابند و مجبور می‌شوند موارد جزئی و مثال‌ها را حفظ کنند و یا نتوانند بر موارد مختلف قاعده را تطبیق دهند. این امر باعث سختی در یادگیری و تشویش در ذهن می‌گردد.

در ساحت عربی سعی بر آن است بر مبنای قواعدی اصولی، یادگیری ریشه داری صورت پذیرد و حکمتجویان بتوانند آن قواعد را بر مثال‌های مختلف تطبیق دهند و نیاز به حفظ کردن بی‌مورد نداشته باشند.

به نظر می‌رسد مطالب فوق در جداولی که ساحت عربی با کتب عربی فعلی تطبیق داده شده است این امر تا حدی نمایان باشد. در این مطابقت کتب رشته‌ی علوم انسانی که جامع‌تر است بررسی گردیده است.

مواردی که با * مشخص شده است با کتب آموزش و پرورش مطابقت دارد.

مطابقت با کتب نظام درسی										عناوین اصلی	حوزه های کلی	دستور زبان
پایه تحصیلی اول متوسطه نظام قدیم												
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱			
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	ترجمه لفظی واژه ها	الف) لغت (معنا شناسی کلمات)	
										ترجمه اصطلاحی واژه ها		
										معانی واژه هایبر اساس ترکیب		
										معانی واژه هایبر اساس ترکیب		
					*	*				بر اساس گرفته شدن از چیزی یا نه	ب) صرف (ساختار شناسی کلمات)	
										بر اساس جنس		
										بر اساس تصرف و عدم متصرف		
										بر اساس نوع حروف		
										بر اساس معین یا نامعین بودن		
		*	*	*						پذیرش اعراب حرف آخر و عدم پذیرش آن		
										ملحقات		
									*	بر اساس زمان		
							*	*		بر اساس تعداد حروف (اصلی و زاید)		
										بر اساس نوع حروف		
										بر اساس نیاز یا عدم نیاز به مفعول		
										بر اساس نوع تصرف		
										اقسام اعراب	ج) نحو (ساختار شناسی جملات)	
*	*									مرفوعات		
	*									منصوبات		
	*									مجرورات (به حرف جر و اضافه)		
	*									توابع (صفت، عطف، تأکید، بدل)		
	*									حروف (عامل و غیر عامل)		
*	*									ملحقات		
										احوال جملات (خبری، انشایی)	د) بلاغت (معنا شناسی جملات)	
										احوال مسند		
										احوال مسند الیه		
										قیود		
										و...		
										حقیقت		
										مجاز		
										زیبایی های لفظی		
										زیبایی های معنوی		
										شنیدن		
										صحبت کردن		
										خواندن		
										شناخت لهجه های رایج		
										نوشتن		
										ه) فنون محاوره (گفتار شناسی)		

مطابقت با کتب نظام درسی																عناوین اصلی	
پایه تحصیلی دوم متوسطه نظام قدیم (علوم انسانی)																	
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	ترجمه لفظی واژه ها
																	ترجمه اصطلاحی واژه ها
																	معانی واژه هابا اساس ترکیب
																	معانی واژه هابا اساس ترکیب
															*		بر اساس گرفته شدن از چیزی یا نه
																	بر اساس جنس
*																	بر اساس تصرف و عدم متصرف
																	بر اساس نوع حروف
													*				بر اساس معین یا نامعین بودن
														*			بر اساس پذیرش اعراب حرف آخر و عدم پذیرش آن
*							*										ملحقات
																	بر اساس زمان
															*		بر اساس تعداد حروف (اصلی و زاید)
																	بر اساس نوع حروف
								*									بر اساس نیاز یا عدم نیاز به مفعول
																	بر اساس نوع تصرف
									*	*	*	*					اقسام اعراب
				*	*	*		*									مرفوعات
			*														منصوبات
*																	مجرورات (به حرف جر و اضافه)
		*															توابع (صفت، عطف، تأکید، بدل)
																	حروف (عامل و غیر عامل)
																	ملحقات
																	احوال جملات (خبری، انشایی)
																	احوال مسند
																	احوال مسند الیه
																	قیود
																	و...
																	حقیقت
																	مجاز
																	زیبایی های لفظی
																	زیبایی های معنوی
																	شنیدن
																	صحبت کردن
																	خواندن
																	شناخت لهجه های رایج
																	نوشتن

مطابقت با کتب نظام درسی																عناوین اصلی
پایه تحصیلی سوم متوسطه نظام قدیم (علوم انسانی)																
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	ترجمه لفظی واژه ها
																ترجمه اصطلاحی واژه ها
																معانی واژه هایر اساس ترکیب یا حروف
																معانی واژه هایر اساس ترکیب یا اسم ها
															*	بر اساس گرفته شدن از چیزی یا نه
																بر اساس جنس
																بر اساس تصرف و عدم متصرف
																بر اساس نوع حروف
															*	بر اساس معین یا نامعین بودن
																اساس پذیرش اعراب حرف آخر و عدم پذیرش آن
														*		ملحقات
																بر اساس زمان
															*	بر اساس تعداد حروف (اصلی و زاید)
										*	*	*	*			بر اساس نوع حروف
														*		بر اساس نیاز یا عدم نیاز به مفعول
																بر اساس نوع تصرف
														*	*	اقسام اعراب
														*		مرفوعات
														*		منصوبات
														*		مجرورات (به حرف جر و اضافه)
														*		توابع (صفت، عطف، تأکید، بدل)
																حروف (عامل و غیر عامل)
														*		ملحقات
					*	*		*		*			*			احوال جملات (خبری، انشایی)
	*	*		*			*	*			*					احوال مسند
			*								*	*				احوال مسند الیه
*																قیود
																و...
																حقیقت
	*															مجاز
*									*							زیبایی های لفظی
*																زیبایی های معنوی
																شنیدن
																صحبت کردن
																خواندن
																شناخت لهجه های رایج
																نوشتن

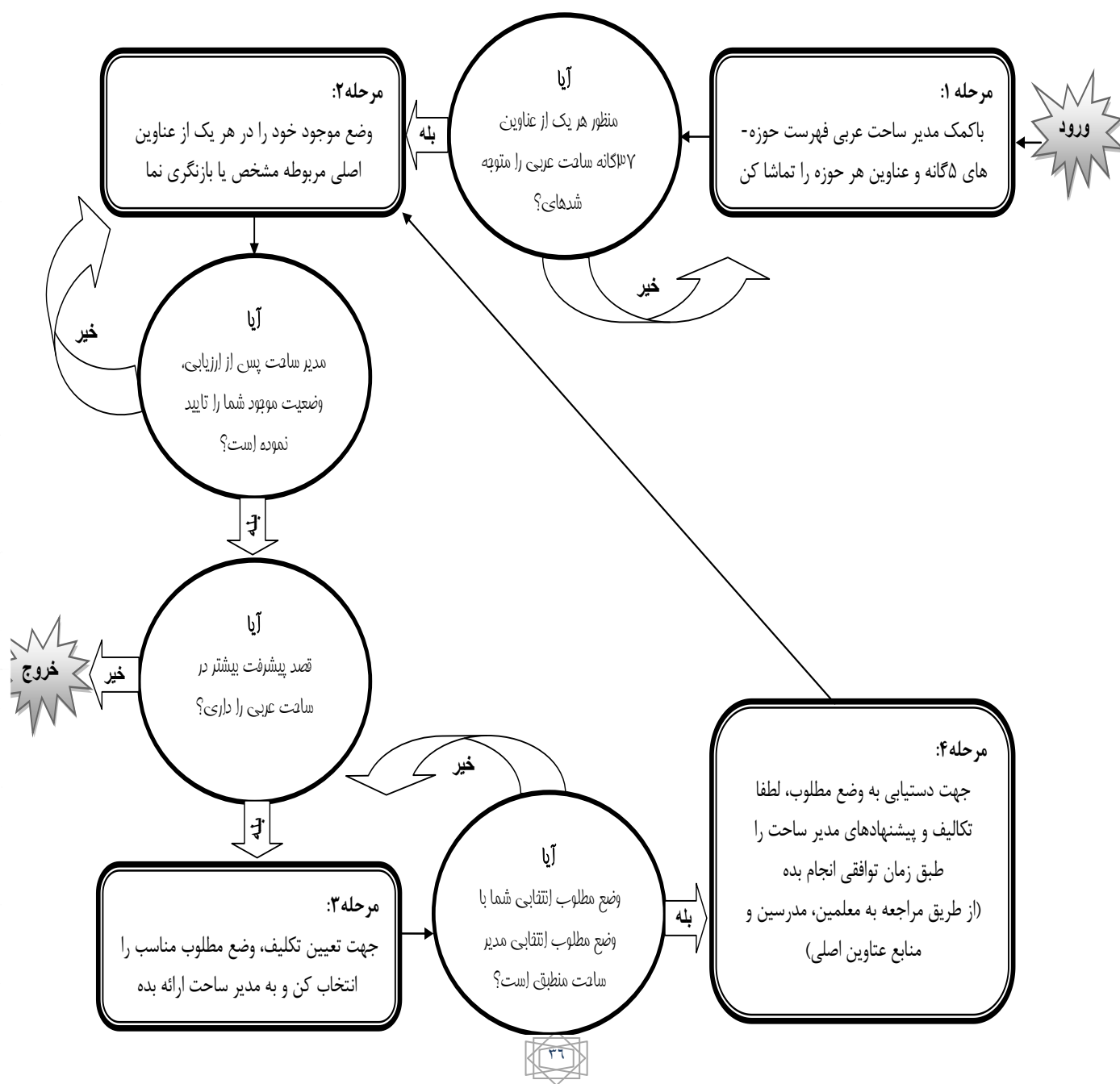
۱۲- آسیب شناسی ساحت عربی

همانطور که گذشت ممکن است یکی از انگیزه‌های انتخاب ساحت عربی از سوی حکمتجویان ارتباط با قرآن باشد، اگر این ساحت به خوبی ارائه نشود، سبب کم‌علاقگی به این ساحت و به تبع آن ارتباط با قرآن شود.

۱۳- شیوه های اختصاصی ارائه ی محتوای ساحت عربی

در ارائه ی و پیشبرد هر ساحتی به کار بردن شیوه های مناسب با آن، لازم است؛ گرچه قالب هایی عمومی نیز در برخی مواقع پر کاربرد و مفید است که به دو شیوه ی عمومی و اختصاصی اشاره می-شود:

الف) عمومی



ب) اختصاصی

دوره عمومی چند ماهه
شناخت کلی اسم و فعل
با هدف ارزیابی حکمت جویان، و همچنین انتخاب رشته مورد علاقه از جانب حکمت جویان

۳

- یادگیری مکالمه به همراه قواعد مورد نیاز با منابعی مانند
صدی الحیات
- یادگیری واژه‌های محاوره‌ای

۲

- یادگیری قواعد (صرف، نحو به همراه تجزیه ترکیب)
- یادگیری واژه‌های قرآنی به عنوان نمونه جزوه ترجمه آقای
دوستانی
- یادگیری واژه‌های ساده روایی

۴. درس

متن خوانی

۶

روزنامه نگار
مبلغ
رجل سیاسی
بازرگانی

۵

کارشناس تفسیر
کارشناس روایات
مترجم

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

قرآنی عربی، بی‌هیچ کثری باشد که آنان راه تقوا پویند.

< سوره ی زمر آیه ی ۲۸ >